

باشگاه مخاطبان
دوست هزوند می! اگر اهل نوشتن شعر و داستان هستی، می‌توانی عضو باشگاه مخاطبان بشوی و آثارت برای نشرته‌ی «خودت» کوله‌باشی» بفرستی.



(پنجره)

طاهر عرفانی (**کاردستی**)
گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

ساک هدیه با چوب بستنی

می‌توانید با دورریختنی‌هایی مثل چوب بستنی، یک سساک هدیه در دست کنید. فقط کافی است با کمی خلاقیت، اطراف خود را خوب ببینید. دهانه‌ی قوطی یا جعبه را با پیچی برش دهید. طول آن باید از طول چوب بستنی کوتاه‌تر باشد. بعد از برش، دورتادور آن را چسب چوب بزنید و چوب‌های بستنی را روی آن بچسبانید. بعد از اتمام بدنه، با رویان به‌دلخواه تزئین کنید. برای دسته‌ی ساک، از داخل جعبه رویان با گل‌های مصنوعی بچسبانید. در پایان، گل‌های مصنوعی را در میان آن قرار دهید.

- دورریختنی‌هایی
- چوب بستنی
- چسب چوب
- میخ‌های مسنک
- رویان
- گل‌های مصنوعی

می‌توانید با دورریختنی‌هایی مثل چوب بستنی، یک سساک هدیه در دست کنید. فقط کافی است با کمی خلاقیت، اطراف خود را خوب ببینید. دهانه‌ی قوطی یا جعبه را با پیچی برش دهید. طول آن باید از طول چوب بستنی کوتاه‌تر باشد. بعد از برش، دورتادور آن را چسب چوب بزنید و چوب‌های بستنی را روی آن بچسبانید. بعد از اتمام بدنه، با رویان به‌دلخواه تزئین کنید. برای دسته‌ی ساک، از داخل جعبه رویان با گل‌های مصنوعی بچسبانید. در پایان، گل‌های مصنوعی را در میان آن قرار دهید.



علیرضا یونانی (**بازی‌های فکری**)
گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

محافظ کهکشان

داستان بازی این هفته درباره‌ی سفینه‌ای فضایی است که از کهکشان در برابر هجوم و حمله‌ی دشمنان محافظت می‌کند. شما به‌عنوان محافظ کهکشان و کشتی‌های محافظ هدایت‌کننده‌ی سفینه‌ی است باید به جنگ دشمن‌هایی بروید که در حال حمله به سرزمین‌های ما هستند. بازی Insect Invaders در مجموع ۶۰ مرحله دارد و به ۲ دسته‌ی مرحله‌های آبی و قرمز تقسیم می‌شود. در مرحله‌های آبی رنگ، باید بتوانید چند دسته‌ی موجودات فضایی را که به شما حمله می‌کنند شکست دهید. در مرحله‌های قرمز نیز پس از شکست دشمن‌های عادی، به رئیس آن‌ها می‌رسید. باید او را هم از بین ببرید تا مرحله را تمام کنید. هر قدر به مرحله‌های بالاتر برسید، دشمن‌های شما هم قوی‌تر می‌شوند و تعدادشان هم افزایش می‌یابد. پس باید سفینه‌تان را قوی‌تر کنید. در کل، ۱۰ سطح برای قدرتمندتر کردن سفینه در بازی وجود دارد که با جمع کردن امتیاز در مرحله‌ها، می‌توانید آن‌ها را بخرید. دشمن‌های فضایی به زمین ما حمله کرده‌اند. وقت آن رسیده است که با اسکن کد پایین، بازی را نصب کنید و به جنگشان بروید!



اسکن کنید



محمدرضا اسدی (**کمیگ**)
گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳



تجرباتی با سبزیجات



چند روز پیش، دوستام، رب خوراکی باورزدن که، بیای تو سبزیجات، بازی کنیم. سبزیجات، بیرون می‌آیم. خوب برویم بیستم. یک میوه‌تون گفت بفرستو...



میلین روزهای تعطیل، خودم با بهترین دوستم می‌گرم می‌گرم



خواهرم سوسی می‌گفت با دستپخت خودش، خوراکی‌ها را می‌کند



اون یک گمشده کوچیک توی خونمون درست کرده.



اوج خلاقیت اون چوکسبایی است که می‌تواند بفرستد

وقتی تصمیم می‌گیرم برودم تو سبزیجات، می‌گم که بفرستو

کوله‌بیشته

۴شنبه
۱۳۹۷/۰۷/۲۵
۱۳۹۷/۰۷/۲۵

(۲)

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳



کتابخانه کهنان



کتابخانه نوجوانان



kids



۲+۲=۴



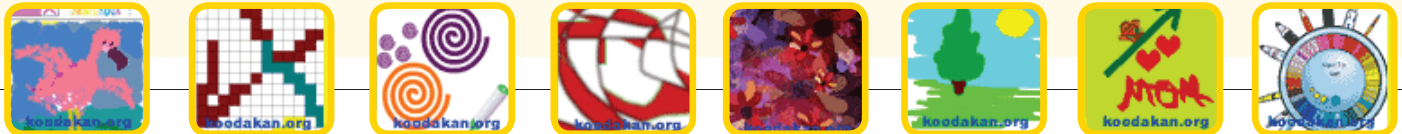
۲+۲=۴

چشمان خورده است و در آن گشتی زده‌اید. این سایت که از مطرح‌ترین فعال‌ترین و پر مخاطب‌ترین شبکه‌های اینترنتی در حوزه کودک و نوجوان به شمار می‌رود، خدمات بسیاری برای فرزندان در سنین مختلف ارائه می‌کند که باعث می‌شود آن‌ها در محیطی تعاملی، با طراحي ساده، و آسان، به همراه والدین خود از امکانات متنوع استفاده کنند.

پروانه سریع، کارشناس علوم پزشکی، و همسرش که مسئولیت راه‌اندازی و اداره‌ی این پایگاه آموزشی سرگرمی را بر عهده دارند، بر این باورند پرورش تفکر، مهارت در کلام و افزایش مهارت‌های جسمانی نیازمند ابزار است. این زوج با هدف دسترسی سریع والدین به منابع و ابزار مهارتی کودکان این سایت را طراحی کرده‌اند. همچنین ایجاد بانک

اطلاعاتی از مراکز که خدماتی برای کودکان و نوجوانان ارائه می‌دهند، از اهداف بلندمدت آن‌هاست. با ورود به نشانی www.koodakan.org با محیطی ساده اما جذاب رویه‌رو می‌شوید که موضوعات متنوعی را از طریق دسته‌بندی در اختیارتان قرار می‌دهد. با انتخاب هر دسته، صفحه‌ای با طرح و رنگ متفاوت پیش‌رویتان باز می‌شود.

بخش کتابخانه (به ۲ زبان فارسی و انگلیسی) شامل تعداد زیادی کتاب است که مطالعه‌ی آن‌ها لذت‌بخش خواهد بود. همچنین قسمت بازی‌های آنلاین و آموزش بازی‌های گروهی و فیزیکی از دیگر بخش‌های جذاب سایت «کودکان» محسوب می‌شود. لطیفه، چیستان، ضرب‌المثل، نقاشی، کاردستی، شعر، جدول و اخبار و مقالات مرتبط با کودکان در



آی دزد! وای دزد!



گرچه سیاه‌سدا بی‌شید، مثل همیشه با زیباترین دست‌هایش را لیسید و گفت: «تو کی هستی؟ این وقت شب روی پشت‌بام چه کار می‌کنی؟» یک‌دفعه سایه بزرگ‌تر شد. مرد سیاه‌پوش همان‌طور که طنابی را به دودکش روی پشت‌بام گره می‌زد گفت: «من دزدم. امدام دزدی.» گریه ترسید و جیب و دادرآه انداخت: «ای دزدوای دزد!»

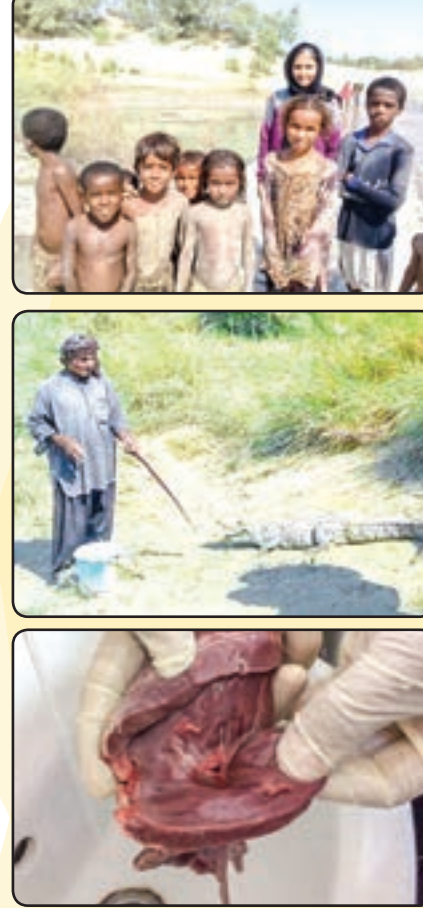
این تازه اول ماجرا بود. دزد دوید و آهسته دم دهان گریه‌ها را گرفت و گفت: «هیس! اگر سر و صدا کنی، تو را هم می‌دزدم.» گریه‌ها که حسابی ترسیده بود، از ترس، صورتش مثل کچ سفید شد. گریه‌ها که ساکت شد، دزد بدجنس طناب را دور دودکش محکم گره زد و آهسته شروع کرد به پایین رفتن. «کجا؟» در صدای قرچ و فوروج، ننه‌جان را از خواب‌های شیرین خراب خواب بود و داشت خواب ۷‌شاهزاده با قصر طلایی واسپ سفید را می‌دید. دزد آهسته آهسته از طناب پایین رفت و پرید توی حیاط. گریه‌سایه هیچ چیز نگفت. نه سرت و صد کرد و نه می‌میومو. بیچاره از ترس زبانش بند آمده بود و نمی‌توانست حرف بزند. دزد بی‌سر و صدا یک کونی بزرگ برداشت و شروع کرد به جمع کردن وسایل توی حیاط. تشت مسی، قابلمه‌ی مسی، کوزه‌ی ترشی کنار حیاط، حتی آفتابه‌ی مسی قدیمی ننه‌جان را هم برداشت و توی کونی انداخت. گریه‌سایه از بالای پشت‌بام نگاه می‌کرد اما چیکش هم در نمی‌آمد. ننه‌جان همان‌جور خیز و یغ می‌کرد و خواب‌های شیرین و شکرین می‌دید و دزد بدجنس تند و تند وسایل ننه‌جان را توی کونی می‌ریخت. گلدان قدیمی، قوری لبطلایی، سماور زغالی گل‌دار و کلی خرت‌وپرت دیگر.

یک دفعه چشم دزد به صندوقچه‌ی قدیمی کنار اتاق افتاد.

خلاصه، همه چیز که آرام شد و به قول معروف آب‌ها از آسیاب افتاد، ننه‌جان از اهالی محل و گریه‌سایه و آقای پلیس تشکر کرد و رفت سراغ کونی و وسایلش را یکی یکی بیرون آورد و گذاشت سر جایشان، تشت مسی، قابلمه‌ی برنجی، سماور زغالی، آفتابه‌ی قدیمی و ... بعد هم در صندوقچه‌ی قرچ و فوروج بست و دوباره رفت خوابید و بقیه‌ی خواب ۷‌شاهزاده با قصر طلایی واسپ سفید را دید.

از زمان هم‌جلوبین

گفت و گو با نوجوان موفق در عرصه‌های علمی و هنری



این یک واقعیت و اصل فراموش‌نشده‌ی است که اگر در نوجوانی علاقه‌مندی‌هایمان را کشف کنیم و در زندگی خود هدف و برنامه‌ی درستی داشته باشیم، موفقیت مثل ستاره‌ای درخشان، برای ما سوسو خواهد زد. ما با تلاش و راه‌نمایی گرفتن از استادان تجربه‌یبه، کم‌بیشرفت‌های خوبی می‌رسیم. در این تعطیلات طلایی که فرصت خوبی برای شناسایی و رشد استعدادها و علاقه‌مندی‌های ما است. کم‌نیستند کودکان و نوجوانانی که هنوز نمی‌دانند از تعطیلات خود چگونه مفید استفاده کنند. اگر دوست دارید با نوجوان موفق‌ی آشنا شوید که توانسته است به خوبی از علاقه‌مندی‌هایش در جهت پیشرفت علمی و هنری خود استفاده کند، این گفت‌وگو را بخوانید.



+ برای خوانندگان «کوله‌باشی» خودت را بیشتر معرفی کنی؟

• مهتاب خاویان قدیانی هستم، دانش آموز پایه‌ی هفتم مدرسه‌ی شاهد مانده، ناحیه‌ی ۴.

+ شنیده‌ام علاوه بر اینکه در درس و مدرسه شاگرد نمونه و ممتازی هستی، در عرصه‌های مختلف علمی و هنری و اجتماعی هم خیلی فعالی. برای ما درباره‌ی فعالیت‌هایت توضیح می‌دهی؟

• من در رشته‌ی تکنو‌دو صاحب «بوم دو» هستم و در مسابقات تکنو‌دو می‌گیرم دوم شده‌ام. در رشته‌ی علمی، در کارگاه علوم آزمایشگاهی عضو فعال کلاس تشریح پژوهش‌های رویان هستم. با ۶ نفر دیگر در مسابقه‌ی جهانی «سرن» طرحی درباره‌ی ذرات ریزاتمی الکترون و پروتون ارائه کردیم که پذیرفته شد و برام certificate از آلمان فرستادند. در جشنواره‌ی زیست فناوری استان شرکت کردم.

+ درباره‌ی میکروگرافی توضیح می‌دهی که چه نوع عکاسی‌ای است؟

• بله، میکروگرافی یعنی علم بررسی موجودات به باری میکروسکوپ، و الان من عکاسی حشرات ریزی مثل عنکبوت‌ها را شروع کرده‌ام. قبلاً میکروگرافی کفش دوزک و مارمولک را انجام داده‌ام.

+ مثل اینکه به پزشکی خیلی علاقه‌مندی. درباره‌ی باره‌ی قدیمی برداشته‌ای؟

• بله، اگر خدا بخواهد و شناسن بیاورم، دوست دارم در یکی از شاخه‌های پزشکی ادامه‌ی تحصیل دهم. برای همین، با چند تا از زیرمجموعه‌های پزشکی تحقیق کردم و در کلاس‌های تشریح پژوهش‌های رویان شرکت می‌کنم.

+ فکرمی‌کنی چه ارتباطی بین عکاسی و پزشکی وجود می‌تواند داشته باشد؟

• خب، من دوست دارم در کنار فعالیت علم پزشکی، هنر عکاسی را هم بلد باشم

چون عکاسی هم یک نوع خوب دیدن برای کشف جزئیات یک واقعیت است.

+ در حوزه‌ی عکاسی چه صحبتی برای علاقه‌مندان داری؟

• باید برای کار وقت بگذارند و با حوصله، بهترین لحظه را با دوربین شکار کنند.

+ بهترین عکسی که گرفته‌ای از چه بوده است؟

• در سفری که به جابهار داشتیم، عکسی از تمساح‌های کوچک گاندو گرفتم که خیلی جالب بود.

+ چه آرزوهایی داری؟

• دوست دارم فرد موفق و مفیدی برای خانواده و مردم کشورم باشم.

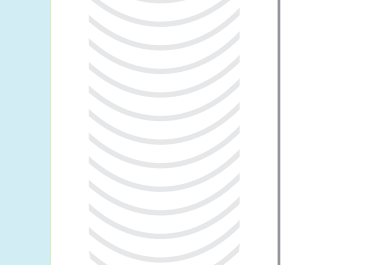
+ اگر حرف نکته‌ای داری، می‌توانی مطرح کنی.

• خب، من از همه استادانم در پژوهش‌های رویان ساحل تحریر، بهروز افتخارزاده، مهدی توکل‌زاده، فرهاد فرخ‌فر و خانم تربتی و استادانم در زمینه تکنو‌دو خانم بتول هاشمی و مزگان محرم تشکر و قدردانی می‌کنم.

کوله‌بیشته

۴شنبه
۱۳۹۷/۰۷/۲۵
۱۳۹۷/۰۷/۲۵

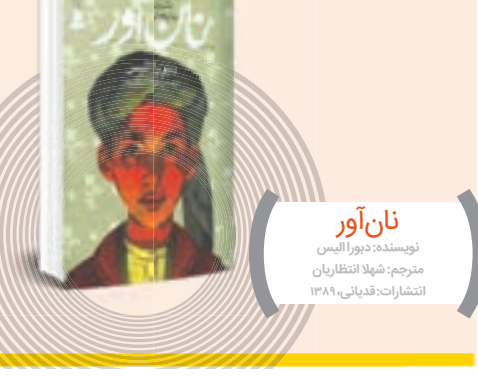
منتظران هستیم
دنیای نوجوانی فقط ۴ فصل ندارد. فصل پنجم پرشش است. پرشش‌هایی که واقعا به یک مشاور پرشش‌های مصمم نیاز دارند. پرشش‌های فصل پنجم نوجوانی‌تان را برای «سنگ‌سبوره» بفرستید.



وقتی تصمیم می‌گیرم برودم تو سبزیجات، می‌گم که بفرستو

کتابخانه
نآن آور

پروانه ۱۱ سال دارد و در کابل در زمان سلطه‌ی طالبان بر افغانستان (سال ۱۹۹۷) زندگی می‌کنند. مادرش نویسنده‌ی اخراجی است که با کمک دوست نزدیکش در سازمان اتحاد زبسان افغان به فعالیت می‌پردازد. پدرش معلم تاریخ است که در بی‌بیماران، یک پایش را از دست داده و به جرم تحصیل در انگلستان و خواندن کتاب‌های انگلیسی، به دست طالبان به زندان افتاده است. پروانه برای گذران زندگی خانواده و کسب درآمد، لباس‌های پسرانه می‌پوشد. به بازار می‌رود و در جای پدر، شغل او را دنبال می‌کند. شوزیه، دوست و هم‌کلاسی پروانه، هم‌مانند او برای تهیه‌ی نیازهای خانوادهاش با لباس پسرانه به جای فرشی در بازار مشغول است. او آرزو دارد روزی از افغانستان به فرانسه برود و زندگی دیگری را آغاز کند. این ۲ زیر فشار خصمانه‌ی طالبان، رویدادهای غریبی را پشت سر می‌گذارند. سرانجام پروانه که پدرش را از دست داده و خانواده‌اش را گم کرده است، موفق به دیدار مادرش می‌شود و شوزیه به جای رفتن به فرانسه، تصمیم می‌گیرد در افغانستان بماند و به هم‌وطنان آسیب‌دیده‌اش کمک کند.



نآن آور
نویسنده: نوجوانی
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

عاصمی‌سماهان یوسفی (**فلس‌فرد**)
گروه سنی: ۱۳
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳، پلاک ۱۳۳

سنگ
سنگ افتاده بود و حالی داشت حال سنگی که جایی افتاده است در کجا گوشه‌ی خیابانی یا نه در انتهای یک جاده است سنگ نه اهل جنگ و دعوا بود نه دلش در بی‌کمی پرتاب سنگ با اینکه سنگ بود و سیاه دلش اما زلال همچون آب دستش اما رسید و بعد از آن سنگ در دست جابه‌جا شد زود لحظه‌ای بعد سنگ شد پرتاب در مسیر درخت زبیا بود لحظه‌ای بعد بال خونینی سنگ افتاده‌ی در آن سوتر باخدا داشت حرف می‌زد سنگ: خسته‌ام خسته‌ای بشر دیگر



(ایستگاه)



وقتی تصمیم می‌گیرم برودم تو سبزیجات، می‌گم که بفرستو